

عنوان مقاله:

شرحی بر اصول و قواعد شهرسازی بومی در ارتباط با نظریه های معاصر شهرسازی

محل انتشار:

فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره 30، شماره 135 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 0

نویسندگان:

محسن حبیبی
مهدی تحصیلدار
نوید پورمحمدرضا

خلاصه مقاله:

هدف اصلی نوشتار حاضر نیل به تصویر و تصویری بیش و کم روشن از اصول و قواعد شهرسازی بومی (ایرانی - اسلامی) است. از یک سو، مکتب شهرسازی اصفهان به دلیل تبیین روشن و دقیق مضمونی، در تاریخ معماری و شهرسازی ایران، به عنوان نمادی از شهرسازی بومی معرفی گردیده و شرح و بسط یافته است، و از سوی دیگر دو جنبش «نوشهرگرایی» و «هسته های سازماندهی شهری» (Urban Village)) به مثابه نمادی از نظریه های معاصر شهری و روستایی، که ریشه در انگاره پایداری دارند، بازخوانی شده اند. در هر بخش، در کنار مروری بر برخی از مهم ترین منابع مکتوب مرتبط با موضوع، سعی گردیده در قالب جداولی مشخص، سیاهه ای از مهم ترین اصول و آموزه های هر مکتب ارائه و در صورت لزوم با یکدیگر مقایسه گردند. در انتها نیز، از طریق مقابله آموزه های مستخرج از مکتب شهرسازی اصفهان (آموزه های بومی) با مولفه ها و مشخصه های جنبش های «نوشهرگرایی» و «هسته های سازماندهی شهری» (مولفه های جهان شمول)، افتراقات و اشتراکات میان آن ها مورد تحلیل قرار گرفته و بر مبنای چنین قیاسی، آموزه های پیشنهادی نوشتار تحت عنوان اصول و قواعد شهرسازی بومی در قالب بیست محور ارائه گردیده است. یافته های پژوهش نشان از آن دارند که میان انگاره های مکتب شهرسازی اصفهان و اصول و قواعد نظریه های معاصر شهرسازی، بالاخص «نوشهرگرایی» و «هسته های سازماندهی شهری»، تمایزهایی اندک و قرابت هایی بی-شمار وجود دارد. در واقع تحلیل قیاسی این دو جریان، بیش از آن که مبین تعارض و ناهمخوانی میان ویژگی های شهرسازی بومی و مولفه های معاصر و جهان شمول شهری باشد، قرین و همسو بودن این و آن را یادآور می شود. گو این که در ارتباط با موضوعاتی هم چون «حمل و نقل و ارتباطات»، «زمان سفر»، «فشرده گی بافت» و ... تمایزاتی میان این دو جریان مشاهده می شود، نگاهی دقیق تر حکایت از آن دارد که ریشه این تفاوت ها به ناهم زمانی جریان های مذکور باز می گردد؛ به بیان ساده، این مصادیق تناقض زا، بنا به مقتضیات و شرایط زمانه و با عطف به زیست جهان ایرانیان عصر صفویه، هرگز در مکتب شهرسازی اصفهان به عنوان چالشی جدی مطرح نبوده اند. در مقابل ریشه داشتن ذات مفهوم پایداری در سویه ها و ویژگی های شهر سنتی - ماقبل مدرن، زمینه ساز شکل گیری قرابت های بسیاری میان جریانات معاصر شهرسازی و مکتب شهرسازی اصفهان شده است. این تشابهات محملی مناسب اند برای استخراج اصول و قواعد شهرسازی بومی؛ اصولی که از یک سو سر در درون دارند و رگه هایی از آموزه های مکتب شهرسازی اصفهان را در خود دارند و از دیگر سوی نگاه به بیرون دارند و پژوهاکی از مولفه ها و مشخصه های مکاتب معاصر شهرسازی را بیان می کنند. حوزه شمول این اصول، تنها، شهر و عرصه های شهری نیست، بلکه روستا و قلمروهای روستایی را نیز می تواند در برگیرد.

کلمات کلیدی:

Isfahan School in Urban Planning, Sustainable Development, New Urbanism, Urban Village, Indigenous Urban Planning and Design, مکتب شهرسازی اصفهان، توسعه پایدار، نوشهرگرایی، هسته های سازماندهی شهری، شهرسازی بومی.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1483050>



